



خودم به درد نخورم اعضای بدنم را می بخشم

من از کسی طلب ندارم، می توانید بنویسید، بگذارید مردم بدانند کل مستمری که من از بنیاد می گیرم ۶۹۰ هزار تومان است، همسر و فرزندانم به سختی زندگی می کنند، اما غیرت داریم، قناعت می کنیم، خدا را شکر مشکلی نیست. از مسئولان تراز اول کشوری و لشکری کسی به دیدن شما آمده است؟

نه اینجا کمی دور است، البته توقعی هم نیست، خب مسئولان هم گرفتارند.

از راهی که رفتی، پشیمانی؟

خدا می داند که پشیمان نیستم، هر کاری کردم با اراده خودم کردم، به عشق مولا علی (ع) رفتم، کاری که به خاطر مولا باشد پشیمانی ندارد، دوباره هم جنگ بشود باز هم می روم، اگر جسم و جان و روحم به درد جنگیدن نخورد حاضرم اعضای بدنم را اهدا کنم، همانطور که همین حالا هم فرم اهدای عضو را پر کرده ام و وصیت کرده ام بعد از مرگم اعضای بدنم به بیماران نیازمند اهدا شود.

متولد ۱۳۴۷ است و ۴۷ ماه سابقه حضور در جبهه دارد. به قول خودش از کردستان تا مهران جنگیده. از ۱۶ سالگی یعنی ۲ سال قبل از دوران سربازی اش تا وقتی در عملیات بیت المقدس دو، یک خمپاره ۱۲۰، بیسیم چی شوخ طبع اردبیلی مان را به همراه سنگرش به هوا می فرستد دست از مبارزه برنداشته است.

«جبار بایرامی» از گذشته و امروز می گوید: بیسیم چی بودم که موج انفجار خمپاره مرا گرفت، اما با همان وضعیت تا پایان دوره سربازی فقط به عشق مملکت در جبهه ماندم. از سال ۸۲ به این آسایشگاه آمدم، یک ماه است که اینجایم، دو سه روز می روم خانه ولی باز می آیم اینجا، راستش بیرون که هستم سر و صدا خیلی اذیت می کند، اینجا راحت تر.

از کدام رفتار مردم بیشتر اذیت می شوید؟

نه مردم که کاری ندارند، فقط یک بار سر یک موضوعی با یکی بحث شد، یهو یقه ام را چسبید و گفت شماها پول این مملکت را می خورید، البته جوابش را ندادم، ولی وجدانا اگر ما نبودیم الان همان آقا می توانست شب ها آسوده بخوابد!؟